****

[اشکالات جریان برائت از وجوب سعی در مسعای قدیم 1](#_Toc487623285)

[اشکال اول 1](#_Toc487623286)

[اشکال دوم 2](#_Toc487623287)

[بررسی اجزاء سعی در مسعای زیر زمین 3](#_Toc487623288)

[کلام آیت الله وحید 4](#_Toc487623289)

[مناقشه 4](#_Toc487623290)

**موضوع**: شرائط صحت سعی /سعی /حج - واجبات عمره تمتع

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## اشکالات جریان برائت از وجوب سعی در مسعای قدیم

به نظر ما اشکالات دیگری نیز بر جریان اصل برائت از وجوب سعی در خصوص 10 متری و مسعای قدیم، وجود دارد که در ادامه مطرح می گردد؛

### اشکال اول

یا اسع بین الجلین را قضیه حقیقیه می گیریم یا خارجیه، اگر قضیه خارجیه بگیریم، فرض ما این است که خطاب اسع بین الجبلین ظهور ندارد در این که مولا موضوع حکم را واقع عرض مسعی قرار داده است که اگر 10 متر است، 10 متر را موضوع قرار داده باشد و اگر 20 متر باشد، 20 متر را موضوع قرار داده باشد، بلکه ظاهرش این است که موضوع اسع بین الجبلین زمانی تحقق می یابد که عرفا صدق سعی بین الجبلین کند، ولو عرف زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، زیرا سعی بین الجبلین از عناوینی نیست که محال باشد مولا بما هو مولا به آن جاهل باشد، زیرا محال نیست که مولا هم احاله به عرف داده باشد و بگوید واجب است سعی بین الجبلین بما یراه العرف سعیا بین الجبلین و عند الشک در این که آیا سعی در مسعای جدید نیز داخل در موضوع است یا نه، شک در مصداق خارجی و امتثال خواهد بود و لذا مجرای قاعده اشتغال است.

### اشکال دوم

بر فرض که از اشکال قبل رفع ید کنیم و در مشابهات این بحث قائل به برائت شویم، مثلا در منی اگر شک کنیم که دامنه کوه اطراف منی، داخل در منی است یا نه، بگوییم شبهه مفهومیه منی است و برائت جاری می شود، و بیتوته در آن جایز خواهد بود، از این جهت که سعه لفظ منی نسبت به دامنه کوه، تابع لحاظ واضع است، اما در کوه صفا چنین نیست، بلکه وحدت کوه عرفا تابع هویت واحد عرفی آن است، و طول و عرض آن خارج از معنای موضوع له است، مثل طول و عرض زید، زیرا موضوع له زید، ماهیت واحد این شخص است، چه لاغر باشد و چه چاق، چه کوچک باشد و چه بزرگ، و بزرگ شدن او سبب توسعه مفهوم زید نمی شود، و لذا اگر گفته شود بر جسد زید نماز بخوان، و شک شود که آیا جسد او دو متر است تا این که نماز خواندن در انتهاء تابوت جایز باشد یا یک متر بیشتر نیست، برائت جاری نمی شود، زیرا شک در امتثال است، نه در سعه و ضیق مفهوم.

جبل صفا هم از قبیل موضوع له اسم زید است و 20 متر یا 10 متر بودن آن تاثیری در سعه و ضیق مفهومش ندارد و فرق می کند.

این ها همه در صورتی است که جبل صفا را قضیه خارجیه بدانیم، و گرنه اگر قضیه حقیقیه باشد که اشکال اوضح است، زیرا معنا ندارد که بگوییم شارع محدوده 10 متری را تعیین کرده یا 20 متری، بلکه مقصود کوه صفا در هر زمانی است.

لذا عند الشک، مقتضای قاعده احتیاط است و لذا تنها راه حل این است که از کوه صفای قدیم شروع کند و آخرش به مروه قدیم بیاید و فقط در اثناء به مسعای جدید برود و چون مقدار یسیری از مسعی خارج شده، عرف این را مضر نمی داند، زیرا جبل مروه دقیقا روبروی جبل صفا نیست و عملا همه از محدوده مسعای قدیم خارج می شوند.

لذا واضح شد این که برخی مثل آیت الله فیاض و مرحوم صدر می گفتند سعی از طبقه دوم مجزی است، مورد اشکال است

زیرا اگر احراز شده که ارتفاع کوه قدیم به طبقه دوم می رسیده، باز هم چون ملاک را قضیه حقیقیه می دانند، امروزه دیگر چنین ارتفاعی وجود ندارد، زیرا سعی فوق الجبلین می شود و اگر احراز شود که به طبقه دوم می رسیده و ملاک را هم قضیه خارجیه بدانند، مشکلش این است که چون از زیر زمین سعی می شده، ارتفاع زیاد کوه نسبت به زیر زمین بوده است و این که قدیم ارتفاع زیاد بوده، دلیل نمی شود که مسعی در طبقه دوم هم بین الجبلین بوده است.

و اگر مقصود، اجراء برائت است، به این تقریب که شاید کوه صفا در قدیم تا طبقه دوم ادامه داشته و شبهه مفهومیه جبل صفا از حیث ارتفاع می شود، قبلا مورد اشکال قرار گرفت.

لذا سعی از طبقه دوم به نظر ما مجزی نیست.

## بررسی اجزاء سعی در مسعای زیر زمین

از تاریخ استفاده می شود که زمین مسعی به نحوی بوده که برای دیدن کعبه می بایست چهار پله از صفا بالا بیایند، در حالی که طبقه همکف بالاتر از زمین کعبه است و الان که پله ها را برداشتند، زیرزمین مقدار کمی به بالا شیب دارد و ظاهر تعابیر این است که اصلا بنایی بین مسعی و کعبه نبوده که به این جهت بگویند چهار پله بالا برو تا بشود کعبه را دید، بلکه ظاهرش این است که چون مسعی پایین بوده، کعبه دیده نمی شد و این نشان می­دهد که مسعی پایین تر از مسجد الحرام بوده است.[[1]](#footnote-1)

و حتی برخی گفته اند کسانی که سوار شتر بوده اند، فقط از مسجد الحرام سرشان دیده می شده است و این نشان دارد از این که مسعای قدیم، همان زیر زمین بوده است.

### کلام آیت الله وحید

لذا این که آیت الله وحید گفته اند سعی در زیر زمین دچار اشکال است، زیرا معلوم نیست که سعی بنی الجبلین باشد، بلکه شاید این ریشه های کوه باشد که آشکار شده و نه سعی بین الجلین، این فرمایش نادرست است، زیرا؛

#### مناقشه

اولا: توضیح دادیم که سعی در زیر زمین، سعی بین الجبلین بوده است.

ثانیا: ایشان قائل به قضیه حقیقیه است، و معیار را صدق عرفی هر زمان می داند و امروزه که دیگر صدق سعی بین الجبلین می کند، ولو در آن زمان سعی بین ریشه های کوه بوده باشد.

نکته: در زمان محقق داماد طبقه دوم نبوده، ایشان گفته اگر زمانی طبقه دوم ساخته شود و بین الجبلین هم باشد باز هم سعی در آن مجزی نیست، زیرا انصراف اسع بین الصفا و المروة، به سعی بر روی زمین است، ولو سواره باشد، اما سعی با تلکابین یا در طبقه دوم صحیح نیست.

بنا بر این نظریه، سعی در همکف هم نباید صحیح باشد و فقط از زیر زمین باید سعی مجزی باشد، زیرا شاید فی علم الله مسعی، فقط زیر زمین بوده باشد که در این صورت دیگر همکف بر روی زمین نیست، اما انصاف این است که چنین انصرافی وجود ندارد.

1. اخبار مکة ج2 ص115 [↑](#footnote-ref-1)